



# «چهره‌مطبوعات معاصر»، کاری در خور تقدیر و تداوم

حسین مسرت\*



مطبوعات بسه سالها پیش ارتسباط پیدا می‌کنند. بسه خطاط دارم که نخستین کوششها در این زمینه، در ابتدای تشکیل سندیکای نویسندگان و خبرنگاران، از جانب دوست و همکار ارجمند، آقای مسعود برزین- که در آن زمان دبیر سندیکا بودند- انجام می‌شد» (ص ۳).

نخست قرار بوده کتاب در سه مقطع زمانی تهیه و چاپ شود، اما به دلیل رو به رو شدن با مشکلات مالی و کمبود نیروی انسانی، نخست دست به کار تهیه و تدوین مرحله سوم آن شدند. مراحل اولیه طرح عبارت بودند از:

۱- چهره‌مطبوعات ایران، از آغاز پیدایش تا انقلاب مشروطه.

۲- چهره‌مطبوعات ایران، از انقلاب مشروطه تا پایان سلطنت رضاشاه پهلوی.

۳- چهره‌مطبوعات معاصر. کتاب نامبرده در ۱۴ بخش گوناگون به ترتیب زیر تنظیم یافته است:

۱) مدیران تهران (ص ۱ تا ۵۰)، شامل آن دسته از صاحبان امتیاز و مدیران جرایدی که در تهران نشریاتی داشته‌اند.

۲) کادر حرفه‌ای تهران (ص ۵۳ تا ۱۴۶).

۳) نویسندگان آزاد تهران (ص ۱۴۹ تا ۱۷۰)، آن دسته از مطبوعاتیها که به تناوب یا مستمر مطالبی برای مطبوعات تهیه می‌کردند، اما کار مطبوعات شغل اصلی آنها نبود.

۴) کادر فنی تهران (ص ۱۷۳ تا ۱۸۰)، آن دسته از مطبوعاتیها که کار نویسندگی نمی‌کردند، اما خدماتشان در هیأت‌های تحریریه، کار همکاران نویسنده را تکمیل می‌کرد. همچون خبرنگاران عکاس، متصدیان میزانیاز، نقاش و خطاط. و در یک کلام گمنامانی که حقیقتاً بیشترین بار مطبوعات بر روی دوش آنان قرار دارد و معمولاً نامی از آنان در جایی برده نمی‌شود.

۵) مدیران شهرستان (ص ۸۳ تا ۱۹۹)، شامل مدیران و صاحبان امتیازی که شرایطی مشابه همکاران خویش در تهران داشتند، ولی

شاید برخی برنگارنده خرده بگیرند که چرا کتابی که در سال ۱۳۵۱ چاپ شده، اکنون پس از دو دهه معرفی و نقد می‌شود، در پاسخ باید گفت هنوز آن کتاب تازگی و جامعیت خود را از دست نداده و مطرح شدن آن در این زمان باعث جلب توجه مسئولان به چاپ و گردآوری چنین مجموعه‌هایی خواهد شد و تا اندازه زیادی زمینه آشنایی دست اندرکاران مطبوعات و علاقمندان به تاریخ مطبوعات ایران را با این کتاب فراهم خواهد آورد.

با این استدلال که: «اعضای جامعه مطبوعات، مهمترین عوامل معرفی و شناساندن همه چیز وهمه کس به جامعه هستند، حال آنکه خودشان در گمنامی به سر می‌برند» (دیباچه، ص ۳)، گروهی ۱۲ نفره نزدیک به دو سال با تلاشی درخور تحسین کتابی جامع را تحت عنوان «چهره‌مطبوعات معاصر» در دسترس جامعه فرهنگ دوست و کتابخوان ایران قرار دادند.

کتابی که هم دایره‌المعارفی گرانسنگ درباره نویسندگان، قلمزنان، مترجمان و کلارجال تاریخ و فرهنگ و ادب معاصر ایران است، شبیه سری کتابهای «Who's who» چاپ خارج. وهم نقطه آغازینی است برای کسانی که می‌خواهند در زمینه تاریخ مطبوعات ایران و به‌ویژه تاریخ مطبوعات شهرستانها کار کنند. چنان که در پیشگفتار کتاب نیز آمده: «این نخستین بار است که در تاریخ مطبوعات کشور، این تعداد (۱۲۳۴ نفر) از اعضای جامعه مطبوعات در کتابی معرفی می‌شوند» (ص ۵).

بی‌گمان اگر چنین کوششی انجام نمی‌پذیرفت، چه بسیار آرزوها که در خاک می‌شد و چه بسیار ناگفته‌ها که ناگفته‌تر می‌ماند و چه خرسند می‌شوند مدیران و صاحبان جرایدی که می‌بینند نام و کوشش آنان در جایی درج شده است و چه اندک کسانی که هنوز که هنوز است، انکار می‌کنند که آنان یک زمانی به صرافت افتاده‌اند و چند شماره از نشریه‌ای را به زیر چاپ برده‌اند. چنان که در پیشگفتار کتاب آمده: «فکر تهیه کتابی در زمینه معرفی اعضای جامعه

چهره‌مطبوعات معاصر:

غلامحسین صالح‌حیاری و دیگران، تهران: پرس اجنت، ۱۳۵۱، رحلی، ۳۴۲+۱۶ ص مصور.

نشریه‌شان در شهرستانها انتشار می‌یافت. اینان نیز به دلیل ساکن بودن در شهرستانهای دوره افتاده، در سطح جامعه مطبوعاتی ایران گمنامند.

۶) کادر حرفه‌ای شهرستان (ص ۲۰۱ تا ۲۲۲)، این گروه مطبوعاتی همان شرایط کادر حرفه‌ای تهران را دارند، با این تفاوت که عده‌ای از آنان برای مطبوعات تهران نیز مطلب تهیه می‌کردند. در این بخش مهمترین رده را نمایندگان و خبرنگاران مطبوعات تهران در شهرستانها تشکیل می‌دهند.

۷) نویسندگان آزاد شهرستان (ص ۲۲۵ تا ۲۸۸)، که علاوه بر مطبوعات محلی برای نشریات تهران نیز مطلب تهیه می‌کردند.

۸) روزنامه‌ها و مجلات ایران، شهریور ۱۳۲۰ - ۱۳۵۱.

این بخش کتاب، توضیحی دارد برای آشنایی خوانندگان با نحوه کار و معرفی ۶ شناسه برای جرایدی که در بخشهای بعدی معرفی می‌شوند. این شناسه‌ها عبارتند از: نام صاحب امتیاز و مدیر، محل انتشار، ترتیب انتشار، اولین شماره، سبک، سایر توضیحات.

۹) نشریات در حال انتشار تهران (ص ۲۳۱ تا ۲۳۵).

۱۰) نشریات در حال انتشار شهرستانها (ص ۲۳۵ تا ۲۳۸).

۱۱) نشریات اختصاصی تهران و شهرستانها (ص ۲۳۸ تا ۲۴۳).

۱۲) نشریات ایران (۱۳۵۱ - ۱۳۲۰) که دیگر منتشر نمی‌شوند (ص ۲۴۴ تا ۳۲۷).

در این قسمت نشریات، با علامت «●» به نشانه نشریاتی که روشن نیست منتشر شده یا نه، و علامت «\*» که نشان‌دهنده این است که حداقل یک شماره چاپ شده است، از هم تفکیک شده‌اند. اینجاست که کارپژوهندگان و محققان آغاز می‌شود. آنان بایستی در بعد دنبال صاحب امتیاز، مدیر و یا افراد صاحب‌نظر در زمینه مطبوعات بگردند و از هر کدام در باره هر یک از نشریات پرسش کنند، زیرا که مدیران جراید معمولاً در پیرامون کار خود به دیگر نشریات نیز نگاهی دارند. و یا اگر دسترسی به مدیران جراید دیگر شهرستانها میسر گردد، در بایگانی خاک خورده‌شان سراغی از نشریاتی گرفت که در مبادلات خود برای هم می‌فرستادند. همان‌گونه که کتاب تاریخ جراید صدرهاشمی به غیر از عشق و علاقه و پی‌گیری آن روانشاد، نتیجه همان مرادواتی است که او با دیگر مدیران داشته است.

چنان که هر کس در نگاه اول متوجه می‌شود، این بخش بسیار ناقص است و آن هم به دلایلی است که گردآورندگان در دیباچه کتاب یادآور شده‌اند:

«در زمینه تهیه اسامی و خصوصیات نشریات و مجامع مطبوعاتی، کار حتی از مرحله معرفی اشخاص نیز مشکلتر بود. متأسفانه مسئله آرشیو و مراکز جمع‌آوری مدارک و اسناد در کشور ما کاری تازه است و از این رو منابع قابل استفاده در زمینه مطبوعات نیز مانند بسیاری رشته‌های دیگر، نقایص فراوان دارد. با وجود این، گروه تحقیق و بررسی طی دو سال فعالیت خود با مراجعه به کلیه مراکز موجود و بویژه منابعی که در وزارت اطلاعات وجود داشت، نتوانست برای ۵ هزار امتیاز نشریه فیش تهیه کند که البته بسیاری از آنان ناقص است، تا حدی که حتی در باره تعدادی از امتیازهای صادر شده، تحقیق این مسئله که پس از صدور امتیاز، منتشر شده یا نه ممکن نشده است» (ص ۷).

برای تکمیل این بخش که به نظرم مهمترین بخش این کتاب در زمینه تاریخ مطبوعات است، یک کار گروهی سازمان یافته سراسری لازم است، بویژه در بخش شهرستانهای آن. از این نظر، چاپ تاریخ مطبوعات شهرستانها بسیار می‌تواند به امر تکامل آن یاری رساند و افسوس که جز چند شهرستان، بقیه شهرها هنوز تاریخ مطبوعاتشان تدوین نشده و ما از آنها اطلاع چندانی نداریم.

به عنوان مثال نگارنده که در زمینه تاریخچه مطبوعات یزد کاری کند، توانسته است بسیاری از شناسه‌های مربوط به یزد را تکمیل کند. همچون: ص ۲۴۸ ذیل آمال ملت (یزد، هفتگی)، ص ۲۴۹، اتحاد ایران (یزد، هفتگی)، ص ۲۶۴ پندارها (دوره اول یزد، ماهانه، ۱۵ خرداد ۱۳۳۱، زیر نظر سازمان جوانان زرتشتی یزد) و دهها مورد دیگر. و در مواردی به اشتباهات کتاب پی برد، همچون: ص ۲۶۴ ذیل پیام اردکان، صاحب امتیاز (محمد سعیدی) - ص ۲۷۵ خادم یزد، صاحب امتیاز (محمد رضا فاضل رضوی) - ص ۳۰۷ کار و یزد (نام درست این نشریه کار و نیرو) صاحب امتیاز: لطف‌الله تمکینی (محل چاپ تبریز) - ص ۳۱۷ مهر یزد صاحب امتیاز (علی مهرپرور) - ص ۲۵۰ «اختر مسعود» تنها یک نشریه بوده و صاحب امتیاز آن عبدالوهاب ایران‌پور «گلشن اردکانی» و چندسالی در اصفهان چاپ شده است و چندین مورد دیگر.

۱۳) مجامع مطبوعاتی (ص ۳۳۱ تا ۳۳۳)

مجامعی که در حال فعالیت بودند همراه با توضیح شرح وظایف و اهداف و سابقه کار آنها. ۱۴) زیر چاپ (ص ۳۳۷ تا ۳۴۲)، در زمان چاپ کتاب برخی بیوگرافیها به دست گردآورندگان رسیده که در این بخش چاپ شده است.

همان‌گونه که خود گردآورندگان نیز اذعان دارند: «با همه تلاشی که در این زمینه انجام شده، جای نام بسیاری از مطبوعات در کتاب خالی است. یا به سبب آنکه خود آنها واقفاً نخواستند و یا اینکه ما منبعی برای تهیه بیوگرافی و اسکانی برای دسترسی به آنان نیافتیم» (دیباچه ص ۷).

نگارنده نیز با تهیه‌کنندگان این کتاب همسخن می‌شود و می‌گوید: «اینک که کار تهیه کتاب پایان گرفته است، ما خود می‌دانیم که آنچه انجام شده، یک کوشش ابتدایی... در زمینه بررسی و تحقیق در باره مطبوعات ایران است. کوششی که بی‌تردید بایستی دنبال شود. ما امیدواریم که انتشار این کتاب خود به خود وسیله‌ای برای رفع نقایص آن از یک سو و تکمیل آن از سوی دیگر باشد... به صورتی که اگر این کتاب به چاپ دوم برسد، شاید بسیار کاملتر و قابل استفاده‌تر از آنچه در دست دارید، باشد» (دیباچه ص ۷).

اکنون جای آن دارد که پس از گذشت سالها یکی از سازمانهای ذی‌ربط بنا به شرایط امروزی، ارجح آن است که یکی از مراکز زیر پوشش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کار تکمیل کتاب نامبرده مبادرت ورزد، به دو صورت: ۱- ویرایش همان کتاب و روز آمد کردن اطلاعات آن، ۲- تهیه و چاپ کتابی که بتواند فاصله زمانی بین ۱۳۵۱ تا زمان حال را پر کند. برای این کار به غیر از یاری جستن از مراکز و سازمانهای فرهنگی زیر پوشش وزارت خانه‌های فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی، برای تکمیل بخش مطبوعات آن نیز می‌توان از فهرستهای سالانه‌ای که توسط مرکز خدمات کتابداری (در حال حاضر کتابخانه ملی) تألیف خانم پوری سلطانی انجام می‌گیرد و نیز فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانه‌های ایران، مدد جست.